

محوطه‌های نویافته دوره ایلام میانی در منطقه میان کوه شهرستان اردل، چهارمحال و بختیاری

علیرضا خسروزاده^۱

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه شهرکرد

محمود حیدریان

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه شهرکرد

حمید محمدی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه شهرکرد

(از ص ۶۵ تا ص ۸۱)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۲/۶؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۹/۲۶

چکیده

بخش میان کوه شهرستان اردل در استان چهارمحال و بختیاری به سبب دارا بودن کوه‌های مرتفع، دره‌های عمیق و دشت‌های میانکوهی کوچک و قرارگیری در مسیر کوچ عشایر از گذشته‌های دور تاکنون مورد توجه انسان بوده است. این منطقه دارای دو چشم‌انداز کاملاً متفاوت است. بخشی از آن با وجود رشته‌کوه چهل‌چشمه و گره با ارتفاعی بیش از ۳۵۰۰ متر دارای زمستان‌های سرد و تابستان‌های معتدل و بخشی با ارتفاعی کم بین ۱۱۰۰ تا ۱۸۰۰ متر در تابستان‌ها گرم و در زمستان‌ها سرد است. این ویژگی‌های جغرافیایی و آب‌وهوایی باعث شده که منطقه میان کوه دارای چراگاه‌های بسیار غنی در بیشتر ماه‌های سال باشد و از این رو منطقه‌ای بسیار مستعد برای شکل‌گیری و توسعه جوامع انسانی با معیشت دامداری از دورترین ایام به این سو بوده است. طی سه فصل بررسی که در این منطقه در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ انجام شد، شماره ۲۵ محوطه ایلام میانی شناسایی و ثبت شد. بیشتر محوطه‌های شناسایی‌شده دوره ایلام میانی در دره‌های کوچک و بزرگ و دامنه ارتفاعات قرار گرفته‌اند و تمامی ویژگی‌های ریخت‌شناختی استقرارهای کوچ‌نشینی امروزی را دارند و تنها در چند محوطه شواهدی از تداوم استقرارها دیده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: الگوی استقرار، تبادل فرهنگی، جوامع کوچرو، ایلام میانی، منطقه میان کوه.

۱. مقدمه

شرایط ویژه جغرافیای منطقه زاگرس و کمبود زمین‌های مناسب برای کشاورزی، و برعکس آن وجود مراتع و جنگل‌های غنی، منطقه را جهت زندگی با شیوه کوچروی مهیا و آماده نموده است (Young, 1972). به‌طور کلی چین‌خوردگی‌های زاگرس مرکزی بسیاری از تحولاتی را که در طول ادوار مختلف پیش از تاریخی رخ داده باعث شده است و بنابراین شرایط جغرافیایی در شکل‌گیری جوامع در این دره‌ها موثر بوده است (Gopnik, 2011; Wright, 1993). منطقه کوهستانی میان‌کوه نیز از این قاعده مستثنی نیست. از آنجایی‌که منطقه میان‌کوه بر سر راه ارتباطی خوزستان با فارس و فلات مرکزی واقع شده است، بدیهی است که تأثیراتی از هر دو منطقه فارس و خوزستان در آن دیده شود. به عبارت دیگر، به‌واسطه قرارگیری میان‌کوه بر سر راه ارتباطی این مناطق، احتمال وجود تأثیرات و مشابهت‌های فرهنگی در این منطقه بسیار زیاد است. از طرف دیگر، با توجه به نوع معیشت فرهنگ‌های ساکن این منطقه که کوچرو بوده‌اند (Zagarell, 1975; Nissen and Zagarell, 1976)، این ارتباطات احتمالاً گسترده‌تر هم بوده است. بنابراین ظاهراً ما باید به دنبال نقش جوامع کوچرو در شکل‌گیری این ارتباطات احتمالی و روند تأثیرگذاری فرهنگی مناطق خوزستان و فارس بر فرهنگ منطقه میان‌کوه باشیم. هر چند در دوره ایلام، با توجه به همگونی فرهنگی که در تمامی نواحی تحت تسلط ایلامیان روی می‌دهد، این امر بدیهی به‌نظر می‌رسد، اما در منطقه شاهد شکل‌گیری و ادامه یک نوع فرهنگ بومی نیز هستیم. سنت سفال‌گری از دوره نوسنگی و مس‌سنگی تا دوره ایلامی ادامه دارد و نمود آن در کارهای زاگارل و نوروزی (زاگارل، ۱۳۸۷؛ نوروزی، ۱۳۸۸) دیده می‌شود. با این حال، به نظر می‌رسد که علاوه بر سنت بومی و محلی، در مناطق جنوبی و شرقی میان‌کوه سنت سفال‌گری شبیه به فارس و در شمال و شرق سنت سفال‌گری با سفال‌های خوزستان مشابه باشد. در هر صورت، باید در نظر داشت که در دوره ایلامی ارتباط فرهنگی بسیار محکمی بین فارس و خوزستان وجود داشته که در نوع سفال‌گری آن‌ها نیز دیده می‌شود (Carter, 1979). هر چند که در منطقه فارس سفال‌هایی بیشتر به صورت منقوش نوع کفتری و ... دیده می‌شوند (Vanden Berghe, 1954; Sumner, 1972; Nickerson, 1983)، اما شکل و نوع سفال‌های فارس و خوزستان در این دوران مشابهت است. بدین منظور و برای شناسایی این تأثیرات اقدام به شناخت، شناسایی و گونه‌بندی سفال منطقه میان‌کوه نموده‌ایم و سعی کرده‌ایم تا با شناسایی سفال‌های منطقه و مقایسه آنها با فارس و خوزستان به ارتباط این منطقه با مناطق یادشده پردازیم.

۲. موقعیت جغرافیایی میان کوه

بخش میان کوه در شهرستان اردل، در غرب استان چهارمحال و بختیاری واقع شده است. میان کوه در بخش میانی کوه‌های زاگرس واقع شده و رشته کوه‌های نسبتاً مرتفع با چندین قلّه بالای ۳۰۰۰ متر ارتفاع بخش‌های قابل توجهی از چشم‌انداز طبیعی این منطقه را تشکیل می‌دهند. این چشم‌انداز عبارت از چند دره نسبتاً عریض و بزرگ و چندین دره کوچک منتهی به این دره‌هاست (شکل ۱).

این بخش از زاگرس نیز، همانند دیگر بخش‌ها، دارای روند عمومی شمال غرب- جنوب شرق و متشکل از دره‌های موازی است. از نظر زمین ریخت‌شناسی این منطقه ترکیبی است از کوه‌های بلند و دره‌های عمیق که امکان کاربری‌های متنوعی از زمین را فراهم کرده است. این منطقه توسط رودخانه سرخون و کارون و شاخه‌های پرآبی که در کوهستان به آن می‌پیوندند مشروب می‌شود (خسروزاده و بهرامی‌نیا، ۱۳۹۱: ۶۳).

منطقه بررسی شده شامل دو چشم‌انداز کاملاً متفاوت است. اول مناطق پست و کم‌ارتفاع که ارتفاعی بین ۱۱۰۰ تا ۲۰۰۰ متر دارند. این بخش شامل دره‌های عمیق و کم‌عرض تپه‌ماهوری با پوشش جنگلی از نوع بلوط، بَنه و کلخونگ است. این پوشش در بعضی جاها بسیار انبوه و در بعضی جاها بسیار تنگ است. دو رودخانه بزرگ بازفت در مسیر شمال به جنوب و رودخانه آرمد در مسیر تقریباً جنوب به شمال در این بخش جاری هستند. این منطقه در تابستان‌ها بسیار گرم است و در زمستان‌ها هوایی معتدل دارد. بخش‌های شرقی این محدوده محل قشلاق شماری از ایلات بختیاری است (شکل ۲). بخش‌های مرتفع ارتفاعی بین ۲۰۰۰ تا ۳۶۰۰ متر دارند. در این بخش، شمار زیادی پهنه‌های مسطح، که دارای دریاچه‌ها یا آبگیرهای فصلی (گوراب) هستند، و پهنه‌هایی به شکل تپه‌ماهوری دیده می‌شود. این پهنه‌ها به‌خصوص در ارتفاعات شمالی بخش میان کوه دیده می‌شوند. از مهم‌ترین این پهنه‌ها می‌توان به گوراب بزرگ، گوراب کوچک، هُشک آخر و چال هُشکه، مَهِیز، بَرَدتشدان و هفت چشمه اشاره کرد. پوشش گیاهی این بخش نیز کاملاً متفاوت با بخش‌های پست است. این بخش دارای پوشش انبوه بوته‌ای از نوع گون، جاز و بوته‌های خار است (شکل ۳).

بنابراین ما با منطقه‌ای روبرو هستیم که با واقع شدن در بین کوه‌هایی با منابع سرشار کشاورزی و دامداری می‌تواند جمعیتی بزرگ را در خود جای دهد، به علاوه آنکه و امکان ارتباطات درون منطقه‌ای نیز میسر است. به عبارت دیگر، بخش میان کوه برای اقتصادی مرکب از کشاورزی دیم و آبی و دامنه کوه‌ها و دره‌ها برای گله‌داری شرایط مناسبی دارد (شکل ۴).

۳. استقرارهای ایلام میانی میان کوه

تا پیش از سال ۱۳۸۷ مدارک باستان‌شناختی اندکی مربوط به دوره ایلامی از بخش‌های غربی و جنوب غربی چهارمحال و بختیاری به دست آمده بود، ولی در بررسی‌هایی که اخیراً در بخش میان‌کوه انجام شد، محوطه‌های بسیاری مربوط به دوره ایلامی شناسایی شد (خسروزاده، ۱۳۸۷؛ ۱۳۸۹؛ ۱۳۹۰). این محوطه‌ها به دو شکل یکجانشین و کوچ‌نشین دیده می‌شوند. محوطه‌های یکجانشین در میان دره‌های کوچک میان‌کوهی شکل گرفته‌اند. این محوطه‌ها به واسطه قرارگیری در نزدیکی منابع آب دائم، وجود زمین‌های قابل کشت و نزدیکی به راه‌های ارتباطی دارای شرایط مطلوب برای شکل‌گیری استقرارهای دائمی و یکجانشین هستند. با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی و زیست‌محیطی میان‌کوه این گونه محوطه‌ها شمارشان اندک است. بیشتر این محوطه‌ها در دره بزرگ سرخون و دره‌های جانبی منتهی به این دره قرار گرفته‌اند (شکل ۵). یکی از این محوطه‌ها گرچگاه ۲ (MK62) است. این محوطه در حاشیه جنوب غربی روستای سرخون قیصری در یک چشم‌انداز تپه‌ماهوری قرار گرفته که از سوی غرب به شرق از ارتفاع تپه‌ماهورهای آن کاسته شده تا به رودخانه سرخون منتهی شود. بر سطح این تپه‌ماهورها پوشش جنگلی تنک بلوط دیده می‌شود. بیشتر این تپه‌ماهورها شخم خورده و به زیر کشت رفته‌اند. این محوطه بر سطح پشته‌ای مرتفع قرار گرفته که از هر چهار سو شیب ملایم دارد و از سوی جنوب شرق با شیب ملایمی به روستای سرخون قیصری محدود می‌شود. بر سطح پشته‌ای که محوطه بر سطح آن قرار گرفته، شمار فراوانی قلوه و لاشه‌سنگ‌های کوچک و بزرگ دیده می‌شود که احتمالاً در ساخت و سازهای محوطه کاربرد داشته‌اند. پراکندگی سفال بر سطح محوطه فراوان و به یک نسبت در تمامی قسمت‌ها دیده می‌شود (شکل ۶).

از مهم‌ترین محوطه‌های یکجانشین شناسایی‌شده، گرچگاه ۵ (MK65) است. این محوطه در حاشیه شرقی روستای سرخون قیصری قرار دارد. این محوطه به شکل تپه‌ای کوچک، ولی مرتفع، به قطر ۸۰ متر است که بر روی یک برجستگی مشرف به رودخانه سرخون ایجاد شده است. پشته‌ای که این محوطه روی آن قرار دارد از چهار سو شیب تند دارد و از سوی شمال و شمال شرق به بستر رودخانه دائمی سرخون منتهی می‌شود. پشته تقریباً بیضی و کله‌قندی شکل است. رأس تپه توسط اهالی تسطیح و به زیر کشت گندم رفته است، و این در مورد دامنه‌های جنوبی و غربی محوطه نیز صادق است. بر سطح این محوطه تراکمی از قلوه‌سنگ و لاشه‌سنگ‌های کوچک و بزرگ دیده می‌شود. پراکندگی سفال بر سطح محوطه زیاد و بیشتر در دامنه‌های شمالی و شرقی تپه دیده می‌شود (شکل ۷).

از دیگر محوطه‌های واقع در دره سرخون، سرزرد ۴ (MK78) است. این محوطه در حاشیه شمال غربی روستای سرزرد بر بالای پشته‌ای مرتفع و مشرف به رودخانه سرخون قرار گرفته است. به نظر می‌رسد سطح محوطه کاملاً تسطیح شده است. محوطه از سوی شمال و غرب با شیب بسیار تندی به بستر رودخانه سرخون و از دو سوی دیگر به روستای سرزرد منتهی می‌شود. در قسمت شمالی محوطه کانالی به عرض یک متر کنده شده که در لابه‌لای خاک‌های برداشته شده آن شمار فراوانی تکه سفال دیده می‌شود، ضمن اینکه در دامنه شرقی و شمالی پشته نیز شمار فراوانی سفال و ابزار سنگی به دست آمد. رودخانه سرخون در فاصله ۲۰۰ متری شمال محوطه جاری است (شکل ۸).

تپه قبرستان سرخون علیا (MK84) نیز در دره سرخون قرار گرفته است. این محوطه در ۱۰۰ متری جنوب سرخون علیا و ۵۰ متری جنوب گورستان قدیمی سرخون علیا قرار گرفته است، بر سطح پشته‌ای کم‌ارتفاع تقریباً کله‌قندی شکل و مشرف به رودخانه سرخون که از سوی شمال و غرب با شیب تند به رودخانه سرخون و از دو سوی دیگر نیز با شیب تند به گورستان و جاده آسفالت سرخون به لردگان منتهی می‌شود. رأس تپه تسطیح شده، شخم خورده و به زیر کشت گندم رفته است. بر دامنه دورتادور تپه نیز جاده خاکی ایجاد شده که موجب تخریب لایه‌های سطحی شده است. در دیواره‌های ایجاد شده در دامنه‌های تپه شمار زیادی سفال دیده می‌شود. در قسمت غربی تپه و در پائین دست آن بخش نسبتاً مسطحی به ابعاد تقریباً ۳۰×۲۰ متر وجود دارد که دورتادور این بخش خاک‌برداری شده و در چند نقطه آن نیز حفاری غیر مجاز شده است. در دیواره گودال‌های حفاری‌های غیر مجاز رد دیواره‌های سنگچین به خوبی دیده می‌شود (شکل ۹).

از دیگر محوطه‌های یکجانشین شناسایی شده می‌توان به گندمکار ۱ (MK3)، گندمکار وسطی ۲ (MK9)، گندمکار وسطی ۳ (MK10) اشاره کرد که هر سه محوطه در دره گندمکار قرار گرفته‌اند.

بیشتر این محوطه‌های شناسایی شده در بخش میان کوه استقرارهای موقت هستند. این محوطه‌ها معمولاً دارای مواد کم و فرسوده هستند و بیشتر در دره‌های تنگ منتهی به دره‌های اصلی سرخون، گندمکار و شیاپی، بر سطح تپه‌های طبیعی کم‌ارتفاع یا دامنه کوه‌ها واقع‌اند. در کنار این محوطه‌ها چشمه‌های آب یا جریان آب دائمی دیده می‌شود. پوشش گیاهی این مناطق بسیار غنی است و در نزدیکی محدوده‌هایی واقع‌اند که امروزه نیز کوچ‌نشین‌ها برای اسکان و چرای دام‌های خود از آنها استفاده می‌کنند.

یکی از این محوطه‌ها تایک ۱ (MK28) است. این محوطه بر پشته‌ای کم‌ارتفاع در جنوب جاده خاکی منتهی به دکل مخابرات گندمکار (از سوی شرق) و گندمکار (از سوی غرب) قرار

گرفته است. محوطه در یک چشم‌انداز تپه‌ماهوری در دره مرتفعی معروف به تایک قرار گرفته است. چشمه‌های متعددی در این دره وجود دارد که شماری از آن‌ها به خاطر خشکسالی چند سال اخیر خشک یا کم‌آب شده‌اند. این دره یکی از استقرارهای مهم بیلاقی کوچ‌نشینان بختیاری است. محوطه از سوی جنوب با شیب تندی به دره‌ای عمیق که در پائین دست آن قرار گرفته و رودخانه فصلی در آن جاری است منتهی می‌شود. سطح محوطه پوشیده از سنگ‌های لاشه کوچک و بزرگ است و در بخش‌های جنوبی محوطه نیز چند برونزد صخره‌ای بزرگ دیده می‌شود. در حاشیه شمالی محوطه بقایای سنگ‌چین یک وارگه عشایری دیده می‌شود. در حاشیه غربی محوطه چشمه آب کوچکی وجود دارد که هم‌اکنون آب اندکی از آن جاری است (شکل ۱۰).

تایک ۷ (MK 34) نیز استقرار موقت است که بر پشته‌ای طبیعی و کم‌ارتفاع در ۳۰۰ متری جنوب جاده خاکی منتهی به مخابرات شرکت نفت (از سوی شرق)، گندمکار (از سوی غرب) قرار گرفته است. سطح محوطه پوشیده از سنگ‌های لاشه کوچک و بزرگ است و در بعضی قسمت‌ها برونزدهای صخره‌ای کوچک و بزرگ نیز دیده می‌شود. بخش‌های جنوبی محوطه شخم خورده و به زیر کشت گندم رفته است. در فاصله ۵۰ متری شرق محوطه چشمه کوچکی دیده می‌شود که هم‌اکنون آب اندکی از آن جاری است. دره‌ای که محوطه در آن قرار گرفته دارای پوشش جنگلی بلوط به شکل انبوه است. بر سطح محوطه و اطراف آن چند وارگه عشایری با ساخت‌وسازهای ساده و خشک‌چین سنگی دیده می‌شود. پشته‌ای که محوطه بر سطح آن قرار گرفته از سوی شمال با شیب نسبتاً تندی به بستر عمیق رود فصلی منتهی می‌شود (شکل ۱۱).

چشمه فولک ۸ (MK498) نیز از محوطه‌های شاخص موقت شناسایی شده است. این محوطه بر سطح پشته‌ای نسبتاً کم‌ارتفاع در بالادست روستای زینب خاتون و در فاصله ۹۰۰ متری شمال شرق آن قرار گرفته است. این محوطه در یک دره تنگ و عمیق به نام دره‌شور واقع است، شکل تپه‌ماهوری دارد و از سوی شمال شرق به جنوب غرب از ارتفاع این تپه‌ماهورها کاسته شده تا به روستای زینب خاتون و دره‌شور منتهی می‌شود. سطح پشته‌ای که محوطه روی آن شکل گرفته نیز شخم خورده و به زیر کشت گندم دیم رفته است. پشته‌ای که محوطه بر سطح آن شکل گرفته بیضی‌شکل است و از سوی شرق، غرب و جنوب به دره‌شور منتهی می‌شود. بر سطح محوطه، شمار زیادی سنگ‌های لاشه کوچک و بزرگ دیده می‌شود. خاک محوطه نسبت به خاک محیط پیرامون تیره‌تر است. نزدیک‌ترین منبع آب به محوطه چشمه فولک است که در ۷۵۰ متری شمال غرب آن جاری است (شکل ۱۲).

سایر محوطه‌های کوچرو و موقت عبارتند از: گندمکار ۲ (MK4)، گندمکار ۳ (MK5)، گندمکار ۴ (MK6)، شهرک ملاکله ۲ (MK13)، تایک ۶ (MK33)، مور ۴ (MK42)، مور ۱۰ (MK48)، مور ۱۴ (MK52)، مور ۱۵ (MK53)، توله‌دان ۱ و ۲ (MK66, 67, 68)، ماشک کالی سرمازه ۲ (MK126)، سر اشگفت ۱ (MK191)، پاریاب بابامیران (MK212)، دره‌بید ۵ (MK372).

اگر بخواهیم از منظر زیست‌محیطی و نقش این عوامل در شکل‌گیری استقرارهای ایلام میانی میان کوه بپردازیم، بایستی در نظر آوریم که با منطقه‌ای کوهستانی و مرتفع با متوسط ۱۸۰۰ متر ارتفاع از سطح دریا روبرو هستیم. از طرف دیگر، به‌واسطه کوهستانی بودن منطقه راه‌های ارتباطی با محدودیت مواجه هستند، اما به لحاظ دسترسی به منابع آبی از موقعیت خوبی برخوردار است. با این اوصاف، اگر میزان ارتفاع از سطح دریای محوطه‌ها در نظر گرفته شود، مشاهده می‌شود که درصدی بالا از محوطه‌ها در ارتفاعی بین ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ قرار می‌گیرند که این میزان ارتفاع با توجه به ارتفاع کلی منطقه قابل توضیح است. با این حساب ۶۰ درصد محوطه‌ها در این رده قرار می‌گیرند. معادل با ۱۵ محوطه است. با توجه به این آمار، محوطه‌های زیادی در ارتفاع بالای ۱۸۰۰ متر از سطح دریا شکل گرفته‌اند. حتی چند محوطه نیز دارای ارتفاعی بالای ۲۵۰۰ متر هستند این ارتفاع جز در مورد استقرارهای موقت نمی‌تواند توجیهی داشته باشد (محمدی، ۱۳۹۳: ۲۵۲). با توجه به اینکه تنها زمین‌های قابل کشت میان کوه در این دره‌ها واقع شده‌اند، بیشتر محوطه‌ها در میان همین دره‌ها و در کنار رودخانه‌های جاری در این دره‌ها شکل گرفته‌اند. نکته حائز اهمیت در مورد استقرارهای ایلام میانی میان کوه این است که در حدود ۸۰ درصد از محوطه‌ها در فاصله کمتر از ۱۵۰۰ متر نسبت به منابع آبی واقع شده‌اند که معادل با ۲۰ محوطه است و این وابستگی شدید محوطه‌ها را به منابع آبی نشان می‌دهد. مهم‌ترین منابع آبی که در منطقه وجود دارند رودخانه‌های سرخون، بازفت و سرشاخه‌های رود کارون هستند که به صورت دائمی و پرآب جریان دارند. علاوه بر آن، رودهای فصلی و چشمه‌های فراوان منطقه از دیگر منابع آبی موجود در منطقه هستند. منطقه دارای دره‌های پریپچ‌وخمی است و ارتباط فقط از این طریق امکان دارد. به‌واسطه کوچ‌رو بودن جوامع ساکن در این منطقه، دسترسی به راه ارتباطی از اهمیت بالای برخوردار است و به همین دلیل است که شاهد شکل‌گیری ۸۴ درصدی محوطه‌ها در فاصله کمتر از ۵۰۰ متر از راه‌های ارتباطی هستیم، یعنی ۲۱ محوطه. همان‌طور که گفته شد، منطقه میان کوه به دلیل شرایط سخت جغرافیایی و دره‌های پریپچ و خم تنها از یک شاهراه اصلی استفاده می‌کند و آن هم مسیری است که از خوزستان آغاز می‌شود و بعد از گذشتن از این منطقه یکی به فارس و یکی هم به فلات مرکزی امتداد می‌یابد. با توجه به کوچ‌رو بودن اکثر استقرارها، محوطه‌ها دارای وسعت کمی هستند: بیش از ۸۴ درصد محوطه‌ها دارای وسعتی کمتر از یک هکتار هستند ۱۶ درصد باقی دارای

وسعتی بالای یک هکتار. محوطه سرزرد ۴ با ۶ هکتار بزرگترین محوطه اسقراری دوره ایلامی در منطقه است و به صورت یکجانشین شناسایی شده است (محمدی، ۱۳۹۳: ۲۵۶).

۴. سفال ایلام میانی میان کوه

پس از مطالعه سفال محوطه‌های ایلام میانی میان کوه مشخص شد که سه گونه سفال ایلامی در این منطقه رایج بوده است. نوع اول مربوط به سفال‌هایی است مشابه با سفال منقوش و ساده فارس و این شامل فرهنگ‌های قلعه، شقا و تیموران است. این نوع سفال دارای خمیره‌ای نارنجی، قهوه‌ای و نخودی‌رنگ است که بیشتر با نقوش هندسی و به رنگ قهوه‌ای تا قرمز نقاشی و تزئین شده‌اند، به طوری که در شماری از سفال‌ها از نظر نقش و شکل سفال کاملاً مشابه به سفال فارس هستند. سنت دیگری که در منطقه دیده می‌شود برگرفته از سنت سفال‌گری خوزستان است. این گونه سفال‌ها بیشتر معمولی و بدون تزئین و نقاشی هستند، اما گاه نمونه‌های منقوش نیز وجود دارد با نقش‌هایی به صورت خطوط موج و مثلثی. مشابه این سفال‌ها در شوش، شهرشاهی II چغازنبیل و هفت‌تپه و دهنو دیده می‌شود (گریشمن، ۱۳۷۵؛ نگهبان، ۱۳۷۲؛ نورمفیدی و میرزائی، ۱۳۹۲؛ Miroschedji, 1981). سنت دیگری که در سفال‌گری میان کوه وجود دارد سنتی بومی و محلی است. با توجه به وجود ذرات شنی ریز سفیدرنگی که در درون خمیره سفال‌ها در میان کوه دیده می‌شود، شکی باقی نمی‌ماند که سفال‌ها ساخت خود محل هستند، چراکه وجود این ذرات ریز سفیدرنگ در خاک منطقه تأیید شده است. پس با این حساب می‌بینیم که سفال ایلامی میان کوه در خود منطقه ساخته شده هرچند که از نظر نوع، شیوه ساخت و نقوش مشابه با نمونه‌های همزمان در فارس و خوزستان است.

۴-۱. سفال مشابه سفال فارس

گونه منقوش نارنجی قهوه‌ای: این نوع سفال دارای خمیره‌ای از نارنجی، قهوه‌ای تا قرمز است. مغز این گونه سفال به رنگ سیاه است و این ناشی از عدم پخت کافی آن است؛ دارای شاموت گیاهی و شن و ماسه و ذرات سفیدرنگ است و به دو گونه دست‌ساز و چرخ‌ساز ساخته شده‌اند. سطح خارجی سطح سفال دارای پوششی به رنگ نخودی کرم، قهوه‌ای و قرمز است و در بعضی مواقع سطح داخلی شماری از سفال‌ها نیز دارای پوشش است. سطح خارجی شماری از سفال‌ها نیز صیقلی شده است. نقوش این نوع سفال به شکل هندسی اجرا شده‌اند و بیشتر به شکل خطوط موج، ضربدیری و مثلث‌های توخالی و توپر همراه با خطوط موازی دیده می‌شود. این نوع تزئینات در سفال‌های قلعه، شقا و تیموران دیده می‌شود.

گونه ساده: شامل سفال‌هایی به رنگ قرمز تا قهوه‌ای، دارای شاموت گیاهی و کانی است. مواد تشکیل‌دهنده آن شامل شن ریز و دانه‌های سفیدرنگ است. این گونه سفال به دو صورت دست‌ساز و چرخ‌ساز مشاهده می‌شود. به لحاظ نوع پخت دارای کیفیت متفاوت است و در موارد زیادی مغز خاکستری مایل به سیاه در سفال‌ها دیده می‌شود که حاصل عدم پخت مناسب آن‌ها است. این نوع سفال دارای تزئیناتی به صورت نوارهای برجسته طنابی-زنجیره‌ای و نوار برجسته با مقطع چهارگوش است. در مواردی سطح خارجی سفال دارای پوشش غلیظ قهوه‌ای است. از اشکال رایج این گونه می‌توان به انواع خمیره‌ها و کوزه‌های بزرگ اشاره کرد (شکل ۱۳).

۲-۴. سفال مشابه سفال خوزستان

گونه منقوش نخودی: این نوع سفال دارای خمیره‌ای نخودی تا کرم و صورتی است و از شاموت گیاهی و شن و ماسه و دانه‌های ریز سفیدرنگ در خمیره آن استفاده شده است. مغز سفال به رنگ خاکستری و سیاه دیده می‌شود که در نتیجه پخت ناقص سفال است. در مواردی سطح داخلی یا خارجی سفال دارای پوشش غلیظ قهوه‌ای، نخودی، صورتی و قرمز است. بیشتر سفال‌ها با چرخ ساخته شده، ولی شماری نیز با دست ساخته شده‌اند. نقوش به کاررفته در سفال نخودی به مانند سفال نارنجی قهوه‌ای به صورت تزئیناتی هندسی است بیشتر به شکل خطوط موازی و موج و ضربدری همراه با مثلث‌های توخالی و درهم طنیده. شکل‌های متداول ظروف منقوش بیشتر به شکل کوزه‌های کوچک انواع سبوها و ظروف گردن‌دار با بدنه کروی شکل است.

گونه ساده: خمیره‌ای به رنگ نارنجی قهوه‌ای دارد و از شاموت گیاهی همراه با ماسه و شن ریز و دانه‌های ریز سفیدرنگ در خمیره آن استفاده شده است. سفال‌ها دارای پوشش نخودی، کرم، قهوه‌ای و قرمز هستند که گاه بر سطح داخلی و گاه خارجی سفال‌ها دیده می‌شود. شکل متداول این سفال‌ها بیشتر شامل انواع سبوها، خمیره‌ها، ظروف گردن‌دار با بدنه کروی و ظروف معروف پایه‌دکمه‌ای است. گروه دیگر دارای خمیره‌ای نخودی و همراه با شاموت گیاهی و ماسه و دانه‌های ریز سفیدرنگ است. عمدتاً به صورت چرخ‌سازند و مغز سفال‌ها به علت پخت ناقص سیاه‌رنگ است. در مواردی سطح داخلی سفال دارای پوششی به رنگ قهوه‌ای، نخودی، صورتی و قرمز است (شکل ۱۴).

۳-۴. سفال بومی میان کوه

این نوع سفال میان کوه دارای طیفی از سفال‌های قرمز، قهوه‌ای و نخودی است و شامل سفال‌هایی با خمیره‌ای به رنگ قرمز، قهوه‌ای و نخودی، دارای شاموت گیاهی و کانی است. مواد تشکیل‌دهنده آن شن ریز و دانه‌های سفیدرنگ است. این گونه سفال به دو صورت دست‌ساز و

چرخ‌ساز مشاهده می‌شود. به لحاظ نوع پخت دارای کیفیت متفاوت است و در موارد زیادی مغز خاکستری مایل به سیاه در سفال‌ها دیده می‌شود که حاصل عدم پخت مناسب آن‌هاست. این نوع سفال دارای تزئیناتی به صورت نوارهای برجسته طنابی-زنجیره‌ای و نوار برجسته با مقطع چهارگوش است. به ندرت ظروفی با پوشش کرم دیده می‌شود.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

بررسی‌های باستان‌شناسی حاضر به طور نسبی نشان می‌دهد که استقرارهای ایلامی پایدار و ثابت می‌بایست در دره‌های نسبتاً باز رودخانه سرخون و گندمکار قرار داشته باشند. محوطه‌های شناسایی شده در طول این دره‌ها به شکل تپه‌های منظمی است که هم‌اکنون از بستر رودخانه چندین متر ارتفاع دارند و به طور میانگین در ارتفاعی بین ۱۳۰۰ تا ۱۶۰۰ متر از سطح دریا واقع‌اند. تراکم استقرارهای این دره‌های طولی بیش از سایر نقاط مستعد استقرار است. از جمله این محوطه‌ها می‌توان به گرچگاه ۵ اشاره کرد. با توجه به گونه‌شناسی سفال‌های سطحی آن‌ها به نظر می‌رسد در دوره ایلامی هم، به خصوص در دوره ایلام میانی، مسکونی بوده‌اند. توالی سفالی آن و کیفیت سطحی این سفال‌ها نشان‌دهنده احتمالاً یک زندگی یکجانشین در این دره-هاست. از طرف دیگر، محوطه‌ها دارای مواد کم و فرسوده هستند و بیشتر در دره‌های تنگ منتهی به دره‌های اصلی سرخون، گندمکار و شیاسی، بر سطح تپه‌های طبیعی کم‌ارتفاع یا دامنه کوه‌ها واقع‌اند. در کنار این محوطه‌ها چشمه‌های آب یا جریان آب دائمی دیده می‌شود. پوشش گیاهی این مناطق بسیار غنی و در نزدیکی محدوده‌هایی هستند که امروزه نیز کوچ نشین‌ها برای اسکان و چرای دام‌های خود از آن استفاده می‌کنند. بقایای استقرارهای کوچ‌نشینی امروزی به شکل وارگه و بقایای چین سیاه چادر دیده می‌شود. در کل استقرارهای دوره ایلام میانی میان کوه نسبت به دوره مس‌وسنگ (۱۳ محوطه) به شکل فوق‌العاده‌ای افزایش یافته‌اند، اما این روند بعد از دوره ایلامی و دوره هخامنشی به شدت کاهش یافته است (خسروزاده، ۱۳۹۰). این امر احتمالاً ریشه در ملاحظات سیاسی زمان حکومت ایلامیان و نقش قبایل کوچ‌رو منطقه دارد. رشد روزافزون و شتاب سریع گسترش جوامع شهرنشین در سرزمین‌های پست میانرودان و همچنین دشت خوزستان، طی هزاره‌های سوم و دوم پ.م، تأمین منابع خام و مصرفی از سوی این جوامع را امری اجتناب‌ناپذیر ساخته است (Potts, 1993: 388; Potts, 2004: 141). در این میان، کوه‌های زاگرس و ماورای آن، دشت‌های پست مرکز فلات ایران منبعی مناسب برای تأمین نیازهای اساسی جوامع ساکن در میانرودان شده‌است (علیزاده، ۱۳۸۷: ۷۱). این اهمیت دلیلی شده تا رشته کوه‌های زاگرس علاوه بر اینکه به عنوان دروازه‌های ورود به فلات ایران شناخته شود، به عنوان

محلی برای تأمین نیازهای جوامع سرزمین‌های پست میانرودان باشد (هیتس، ۱۳۸۶: ۳۲). به همین دلیل در طول هزاره‌های سوم و دوم پ.م، شاهد تلاش‌های گسترده برای تسلط بر ارتفاعات شرقی خود شده است (آمی، ۱۳۸۹). این کشمکش‌ها را می‌توان به عنوان عاملی شتاب‌دهنده در افزایش تمرکز و یکپارچگی در میان جوامع ساکن در دره‌های میان‌کوهی دانست که ایجاد یکپارچگی را تنها راه مقابله با نیروی خارجی می‌داشته‌اند (Rothman, 2001). با این توصیفات، به نظر می‌رسد میان یکپارچگی سیاسی با همگونی فرهنگی رایج در این مناطق، افزایش استقرارگاه‌ها و تأثیرات فرهنگی رابطه مستقیمی برقرار باشد. شاید بتوان بر اساس مطالعه سفال‌های موجود در منطقه و همگونی چشمگیر موجود در میان این مجموعه، همگونی فرهنگی و سیمای روشنی از تمرکز فرهنگی موجود در این منطقه را بازسازی کرد (Shepard, 1985). هرچند با مطالعه سفال‌های بدست‌آمده از بررسی‌های سطحی امکان گاهنگاری دقیقی وجود ندارد، اما می‌توان تا حدودی تنوع فرهنگی موجود در ناحیه بررسی‌شده را مورد ارزیابی قرارداد (Evans, 1982). پس از مطالعه سفال محوطه‌های ایلام میانی میان کوه مشخص شد که سه گونه سفال ایلامی در این منطقه رایج بوده است. نوع اول مربوط به سفال‌هایی است که مشابه با سفال منقوش و ساده فارس است. سنت دیگری که در منطقه دیده می‌شود برگرفته از سنت سفال‌گری خوزستان است. سنت دیگری که در سفال‌گری میان کوه وجود دارد سنتی بومی و محلی است. با توجه به وجود ذرات شنی ریز سفید رنگی که در درون خمیره سفال‌ها در میان کوه دیده می‌شود، شکی باقی نمی‌ماند که سفال‌ها ساخت خود محل هستند. با توجه به الگوهای استقرار محوطه‌های ایلام میانی در میان کوه، بیش از ۷۶٪ از ساکنان این منطقه همزمان با دوره ایلامی عشایر کوچرو بوده‌اند. با توجه به الگوهای معیشتی وابسته به ساختار کوچروی و قرارگیری این منطقه در مسیر راه‌های مبادلاتی که حلقه اتصال میان دشت‌های پست خوزستان و فارس است، مشاهده تأثیرات فرهنگی از هر یک از این دو حوزه دور از ذهن نیست. همان‌طور که دیده شد، سفال‌های میان کوه همبستگی و همگونی زیادی با سفال‌های فارس و خوزستان دارند. اما این که این همگونی به‌خاطر قرارگیری منطقه میان کوه در میان حد فاصل این مناطق بوده باشد یا نه به‌خوبی نمایان نیست و بی‌شک این امر جز با انجام کاوش و حفاری ممکن نیست. البته باید به نقش قبایل کوچرو منطقه، که خود یک عامل اصلی در شکل‌گیری این همگونی فرهنگی در منطقه‌اند، نیز توجه داشت. اطلاعات بیشتر پیرامون فرهنگ‌های رایج در این دره‌ها، که می‌تواند ما را در بازسازی فرهنگ‌های گذشته یاری رساند، در پرتو کاوش در محوطه‌های کلیدی این منطقه امکان پذیر است. بر همین اساس محوطه گرچگاه ۵ (MK65) می‌تواند اطلاعات مفیدی در این زمینه ارائه کند.

تصاویر



شکل ۲. چشم‌انداز بخش‌های پست و مرتفع بخش میان‌کوه، دید از شمال (خسروزاده، ۱۳۹۰).



شکل ۱. موقعیت منطقه مورد مطالعه در استان چهارمحال و بختیاری و ایران



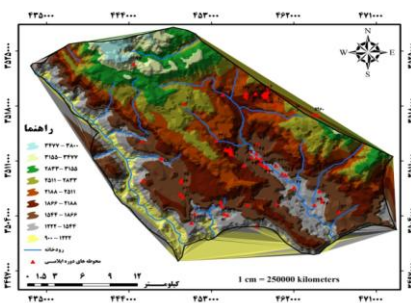
شکل ۴. رود بازفت، دید از شمال (خسروزاده، ۱۳۹۰).



شکل ۳. نمای عمومی منطقه هفت‌چشمه، دید از جنوب (خسروزاده، ۱۳۹۰).



شکل ۶. محوطه گرچگاه ۲ (MK 62)، دید از جنوب (خسروزاده، ۱۳۹۰)



شکل ۵. پراکنده‌گی محوطه‌های ایلامی بر اساس ارتفاع از سطح دریا (نگارندگان)



شکل ۸. محوطه سرزرد ۴ (MK 78)، دید از شمال (خسروزاده، ۱۳۹۰)



شکل ۷. محوطه گرچگاه ۵ (MK 65)، دید از غرب (خسروزاده، ۱۳۹۰)



شکل ۱۰. محوطه تایک ۱ (MK 28)، نمای عمومی، دید از جنوب (خسروزاده، ۱۳۹۰)



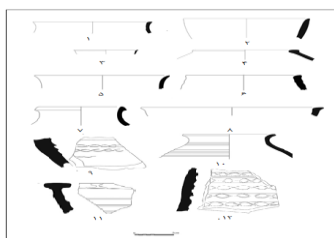
شکل ۹. محوطه تپه قبرستان سرخون علیا (MK 84) (خسروزاده، ۱۳۹۰)



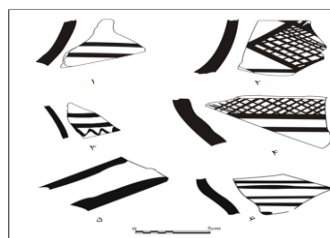
شکل ۱۲. محوطه چشمه فولک ۸ (MK 498)، نمای عمومی، دید از شمال غرب (خسروزاده، ۱۳۹۰)



شکل ۱۱. محوطه تایک ۷ (MK 34)، نمای عمومی، دید از شمال شرق (خسروزاده، ۱۳۹۰)



شکل ۱۴. منتخبی از طرح سفال‌های ساده ایلامی (خسروزاده، ۱۳۹۰).



شکل ۱۳. منتخبی از طرح سفال منقوش میان کوه (خسروزاده، ۱۳۹۰).

جدول ۱ (شکل ۱۳)

ردیف	محوطه	مشخصات	مقایسه
۱	MK 191	نارنجی روشن با مغز خاکستری تیره، ماده چسبانده شن ریز و ماسه و گیاهی، معمولی، چرخ‌ساز، پوشش غلیظ کرم صیقلی بر سطح خارج، نقوش قهوه‌ای بر سطح خارج.	Tol-e Spid (Petrie, et al. 2006: Fig. 4.79) Malyan (Nickerson 1983:Fig.56) Mamasani Survey (Zeidi, et al. 2006: Fig. 6.16) Tol-e Nurabad (Weeks et al. 2006: Fig. 3.116)
۲	MK 191	نارنجی روشن با مغز خاکستری تیره، ماده چسبانده شن ریز و ماسه و گیاهی، معمولی، چرخ‌ساز، پوشش غلیظ کرم صیقلی بر سطح خارج، نقوش قهوه‌ای بر سطح خارج.	Tol-e Spid (Petrie, et al. 2006: Fig. 4.76) Malyan (Nickerson 1983:Fig.53) Mamasani Survey (Zeidi, et al. 2006: Fig. 6.20) Tol-e Nurabad (Weeks, et al. 2006: Fig. 3.116)
۳	MK 3	نارنجی، ماده چسبانده شن ریز و ماسه، معمولی، چرخ‌ساز، پوشش نخودی بر سطح خارج، نقوش هندسی به رنگ قهوه‌ای قرمز بر سطح خارج.	Mamasani Survey (Zeidi, et al. 2006: Fig. 6.20) Tol-e Nurabad (Weeks, et al. 2006: Fig. 3.118) Malyan (Nickerson 1983:Fig.50) Ville Royale (Carter 1980: Fig.29)
۴	MK 52	قهوه‌ای نارنجی با مغز سیاه‌رنگ، ماده چسبانده گیاهی و شن ریز، بدون پوشش، نقوش هندسی قهوه‌ای بر سطح خارج.	
۵	MK 84	قهوه‌ای با مغز سیاه‌رنگ، ماده چسبانده شن ریز و گیاهی، معمولی، چرخ‌ساز، پوشش کرم بر سطح خارج، نقوش قهوه-ای هندسی بر سطح خارج.	(Tol-e Spid (Petrie, et al. 2006: Fig. 4.79 (Malyan (Nickerson 1983:Fig.52 Tol-e Nurabad (Weeks, et al. 2006: Fig. 3.116 Mamasani Survey (Zeidi, et al. 2006: Fig. 6.16)
۶	MK 84	نخودی سبز، ماده چسبانده ماسه، معمولی، چرخ‌ساز، پوشش غلیظ قهوه‌ای تیره بر سطح خارج.	

جدول ۲ (شکل ۱۴)

ردیف	محوطه	مشخصات	مقایسه
۱	MK 4	نارنجی قهوه‌ای با مغز سیاه‌رنگ، ماده چسبانده ماسه، گیاهی، شن ریز و ذرات ریز سفید، معمولی، چرخ‌ساز، بدون پوشش.	Mamasani Survey (Zeidi, et al. 2006: Fig. 6.17) Tol-e Spid (Petrie, et al. 2006: Fig. 4.80) Ville Royale (Carter 1980: Fig.46) دهنو (مفیدی و میرزایی ۱۳۹۲: تابلوی ۴۰ ص ۱۰۳) چغازنبیل (دور- آنتاش) (گریشمن ۱۳۷۵: لوح ۹۹ ص ۳۴۵)
۲	MK 4	نارنجی قرمز با مغز سیاه‌رنگ، ماده چسبانده ماسه، گیاهی، شن ریز و ذرات ریز سفید، خشن، دست‌ساز، بدون پوشش.	Tol-e Nurabad (KHosrowzadeh and Zeidi: Fig. 3.124) Tol-e Spid (Petrie, et al. 2006: Fig. 4.80) Ville Royale (Carter 1980: Fig.9) Ville Royale II (Miroshedij 1981: Fig 20)
۳	MK 4	نارنجی قرمز با مغز سیاه‌رنگ، ماده چسبانده ماسه، گیاهی، ظریف، چرخ‌ساز، بدون پوشش.	Malyan (Nickerson 1983:Fig.51) Tol-e Spid (Petrie, et al. 2006: Fig. 4.84) دهنو (مفیدی و میرزایی ۱۳۹۲: تابلوی ۲۰ ص ۱۰۳)
۴	MK 4	نارنجی قهوه‌ای با مغز سیاه‌رنگ، ماده چسبانده ماسه، گیاهی، شن ریز، معمولی، چرخ‌ساز، بدون پوشش.	Tol-e Spid (Petrie, et al. 2006:Fig. 4.85)

محوطه‌های نوبافته دوره ایلام میانی در منطقه میان کوه شهرستان اردل، چهارمحال و بختیاری/ ۷۹

۵	MK 498	قهوه‌ای با مغز سیاه‌رنگ، ماده چسباننده ماسه و مواد گیاهی، معمولی، چرخ‌ساز، پوشش قهوه‌ای قرمز بر دو سطح.	Tol-e Spid (Petrie, et al. 2006: Fig. 4.80) Malyan (Nickerson 1983:Fig.45) Ville Royale (Carter 1980: Fig.46) Ville Royale II (Miroschedij 1981: Fig 23) ده‌نو (مفیدی و میرزایی ۱۳۹۲: تابلوی ۷۰، ص ۱۰۳) چغانزیل(دور- انتاش): (گریشمن ۱۳۷۵: لوح ۹۹، ص ۳۴۵)
۶	MK 498	قهوه‌ای، ماده چسباننده ماسه و شن ریز، معمولی، چرخ‌ساز، بدون پوشش	
۷	MK 498	قهوه‌ای با مغز سیاه‌رنگ، ماده چسباننده ماسه و مواد گیاهی، معمولی، چرخ‌ساز، پوشش قهوه‌ای قرمز بر دو سطح.	Tol-e Spid (Petrie, et al. 2006: Fig. 4.75) Tol-e Nurabad (Khosrowzadeh and Zeidi: Fig. 3.130) Malyan (Nickerson 1983:Fig.60) Ville Royale (Carter 1980: Fig.49) Ville Royale II (Miroschedij 1981: Fig 13) ده‌نو (مفیدی و میرزایی ۱۳۹۲: تابلوی ۷۰، ص ۱۰۴)
۸	MK 84	نخودی، ماده چسباننده گیاهی و شن ریز، معمولی، چرخ‌ساز، پوشش قهوه‌ای بر سطح خارج و داخل.	Tol-e Spid (Petrie, et al. 2006: Fig. 4.76) Ville Royale II (Miroschedij 1981: Fig 11) Malyan (Nickerson 1983:Fig.51) ده‌نو (مفیدی و میرزایی ۱۳۹۲: تابلوی ۲۰، ص ۱۰۳) چغانزیل(دور- انتاش): (گریشمن ۱۳۷۵: لوح ۸۹، ص ۳۲۵)
۹	MK13	نارنجی قرمز، ماده چسباننده شن ریز و ذرات ریز و درشت سفیدرنگ، معمولی، چرخ‌ساز، پوشش نخودی کرم بر سطح خارج، دو نوار برجسته زنجیری شکل ظریف بر سطح خارج.	
۱۰	MK 212	قهوه‌ای نارنجی با مغز سیاه‌رنگ، ماده چسباننده شن ریز، گیاهی و ماسه، معمولی، چرخ‌ساز، سطح سفال خورده شده و رسوب گرفته است، پوشش قهوه‌ای بر سطح خارج.	Malyan (Nickerson 1983:Fig.41) Ville Royale II (Miroschedij 1981: Fig 38) چغانزیل(زیگورات): (گریشمن ۱۳۷۵: لوح ۶۸، ص ۳۷۱)
ردیف	محوطه	مشخصات	مقایسه
۱۱	MK 3	نارنجی، مغز سیاه‌رنگ، ماده چسباننده گیاهی و شن ریز، معمولی، چرخ‌ساز، پوشش غلیظ خاکستری روشن بر سطح خارج و داخل.	
۱۲	MK 6	نارنجی قرمز با مغز سیاه‌رنگ، ماده چسباننده گیاهی و شن ریز، معمولی، چرخ‌ساز، بدون پوشش با نوارهای تزئینی برجسته زنجیری شکل موازی بر سطح خارج.	

منابع

- آمیه، پیر (۱۳۴۹). تاریخ عیلام، ترجمه شیرین بیانی، تهران، دانشگاه تهران.
- پاتس، دانیل (۱۳۹۰). باستان‌شناسی ایلام، ترجمه زهرا باستی، تهران، سمت.
- خسروزاده، علیرضا (۱۳۸۸). گزارش بررسی باستان‌شناختی بخش میان‌کوه، شهرستان اردل، فصل نخست، شهرکرد، مرکز اسناد میراث فرهنگی استان چهارمحال و بختیاری (منتشر نشده).

- خسروزاده، علیرضا (۱۳۸۹). گزارش بررسی باستان‌شناختی بخش میان‌کوه، شهرستان اردل، فصل دوم، شهر کرد، مرکز اسناد میراث فرهنگی استان چهارمحال و بختیاری (منتشر نشده).
- خسروزاده، علیرضا (۱۳۹۰). گزارش بررسی باستان‌شناختی بخش میان‌کوه، شهرستان اردل، فصل سوم، شهر کرد، مرکز اسناد میراث فرهنگی استان چهارمحال و بختیاری (منتشر نشده).
- خسروزاده، علیرضا؛ بهرامی‌نیا، محسن (۱۳۹۱). دوره نوسنگی در غرب چهارمحال و بختیاری، محوطه‌های نویافته بخش میان‌کوه شهرستان اردل، *مجله نامه باستان‌شناسی* شماره ۳، دوره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، صص ۶۳-۶۴.
- زاگارل، آن (۱۳۸۷). *باستان‌شناسی پیش‌ازتاریخ منطقه بختیاری، ظهور شیوه زندگی در ارتفاعات*، ترجمه کوروش روستایی، شهر کرد: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان چهارمحال و بختیاری.
- علیزاده، عباس (۱۳۷۸). اهمیت و شناخت روش‌های بررسی در باستان‌شناسی، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، دوره ۹، صص ۱-۱۷.
- گیرشمن، رمان (۱۳۷۵). *چغازنبیل (دور-انتاش)*، ترجمه اصغر کریمی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- محمدی، حمید (۱۳۹۳). تحلیل الگوهای استقراری میان‌کوه اردل در دوره ایلامی با استفاده از GIS. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهر کرد.
- مفیدی نصرآبادی، بهزاد؛ میرزایی، آریتا (۱۳۹۲). مطالعات لایه‌نگاری در تپه باستانی دهنو (خوزستان)، *مجله مطالعات باستان‌شناسی*، شماره ۱، دوره ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۲، صص ۸۹-۱۰۹.
- نگهبان، عزت‌الله (۱۳۷۲). *حفاری هفت تپه دشت خوزستان*، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- نوروزی، علی‌اصغر (۱۳۸۸). *مطالعات باستان‌شناسی در حوضه آبخیز کارون شمالی (چهارمحال و بختیاری)*، *مجله مطالعات باستان‌شناسی*، شماره ۱، صص ۱۶۱-۱۷۵.
- نیکنامی، کمال‌الدین؛ سعیدی هرسینی، محمدرضا (۱۳۸۵). شبیه‌سازی و پیش‌بینی فرایندهای تافانومیک زمین سیماهای فرهنگی بر اساس مدل زنجیره‌ای مارکوف مطالعات موردی: حوزه رودخانه قرائقو، شهرستان میانی - شمال غرب ایران، *مجله محیط‌شناسی*، شماره ۴۰، دوره ۳۲، صص ۲۷-۴۰.
- هینتس، والتر (۱۳۷۱). *دنیای گمشده ایلام*، ترجمه فیروز فیروزنیا، تهران، علمی و فرهنگی.
- هینتس، والتر (۱۳۸۶). *عهدنامه عیلام با نارام سین اکدی*، ترجمه رحمان بختیاری، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، سال ۲۱ و ۲۲، شماره ۲ و ۱، صص ۵۰-۳۲.

Carter, E., 1979. Elamite Pottery, ca. 2000-1000 B.C. *Journal of Near Eastern Studies* 38: 111-128.

Carter, E., 1980. Excavations in Ville-Royale-I at Susa: The Third Millennium B.C. *Cahiers de la Délégation Archéologie Française en Iran* 11: 11-134.

Evans, S., 1982. Settlement Models in Archaeology, *Journal of Anthropological Archaeology* 1: 275-304.

Gopnik, H., 2011. Making Sense of the Mound: Archaeological Interpretation at Godin. In: Hilary Gopnik and Mitchell S Rothman (eds.), *On the High Road: The History of Godin Tepe Iran*,

- Bibliotheca Iranica, Archaeology Art and Architecture Series1: 21-49
- Miroschedji, P., 1981. *Fouilles du chantier Ville Royal II a Suse (1975-1977)*: I. Neveux Élamite, Cahiers de la Délégation Archéologie Francaise en Iran 12: 9-216.
- Miroschedji, P., 1981. Fouilles du chantier Ville Royale II A Susa (1975-1977). *Cahiers de D.A.F.I.* 12.
- Nickerson, J. L., 1983. Intrasite variability during the Kaftari Period at Tal-e Malyan (Anshan), Iran. Ph. D. dissertation, Department of Anthropology, Ohio State University.
- Overlaet, B., 1997. A Report on the 1952 and 1954/55 Soundings at Tall-i Taimuran (Fars), Iran, *Iranica Antiqua* XXXII: 1-51.
- Overlaet, B., 2007. Soundings at Tall-Kamin (Kur River Basin), Fars, Iran, *Iranica Antiqua* XLII: 61-103.
- Petrie, C.A., Asgari Chaverdi, A; Seyedin, M: 2006. Chapter 4. Excavation at Tol-e Spid, in: D.T. Potts, K. Roustaei (eds), *The Mamasani Archaeological Project Stage 1: a Report on the First Two Seasons of the ICAR-University of Sydney Expedition to the Mamasani District, Fars Province, Iran, Tehran.*
- Potts, D. T., 1993. Patterns of Trade in Third-Millennium B.C. Mesopotamia and Iran, *World Archaeology*, Vol. 24, No. 3, pp. 379-402.
- Potts, D. T., 2004. *The Archaeology Of Elam*. Cambridge University Press. Cambridge World Archaeology
- Rothman. M.S., 2001. *Uruk Mesopotamia and its Neighbors: Cross-cultural Interaction in the Era a State Formation*. School of American Research Press.
- Shepard, A. O., 1985. *Ceramics For The Archaeologist*. Carnegie Institution Of Washington
- Sumner, W. M., 1972. Cultural Development in the Kur River Basin, Iran: An Archaeological Analysis of Settlement Patterns. Ph.D. dissertation, University of Pennsylvania.
- Vanden Berghe, L., 1952. Archaeologische Opzoekingen in De Marv Dasht Vlake (Iran) *Jaarbericht Ex Oriente Luxe* 12: 211-220.
- Wright. H. E. Jr., 1993. Environmental Determinism in Near Eastern Prehistory, *Current Anthropology*, XXXIV(4). pp: 458-469
- Young, T.C., 1972. Population Densities and Early Mesopotamian Urbanism, In *Man, Settlement and Urbanism*, edited by Ucko et al. P.J. London, *Gerald Duckworth and Co.* 827-842.

